

نشد و چون نشد انحلال نظام ادامه پیدا کرد
 بالاخره افکار عامه متوجه باین شد که چون نظام در این مملکت ممکن نیست اصلاح وزارت جنگ نباشد
 تا سه سال یا سه سال و نیم قبل که کودتای طهران شد بدست يك نفر صاحب منصب مسمی برضاخان ملقب بسردار سپه که امروز مقام ریاست وزرائی را اشغال کرده اختلافاتی بین دسته قزاق و دست زاندارمی (که باقی بودند و مجموعاً شش هفت هزار نفر بیشتر نبودند)
 بود و آن اختلافات بین این دو دسته زیاد بود که هر دو بانظر ضدیت و دشمنی بهم نگاه میکردند و هر گاه يك نفر از افراد این دسته بر آن دسته حمله میکرد تمام افراد این دسته بحمايت آن يك نفر قیام میکردند و علی العکس
 سردار سپه کاری که کرد اختلافات بین آن دو دسته سپاهی نظامی را برداشت و کم کم شروع کرد بتشکیلات
 در آن موقع البته همه آقایان میدانند مخصوصاً چون بنده اطلاعات کامل از آذربایجان ارم و وکلای آذربایجان هم حاضرند و می دانند تا وقتیکه سپاه منظم امروزه ایران با آذربایجان نرفته بود هیچ فردی از افراد کارگر و رعیت و تاجر و کاسب آذربایجان مخصوصاً رها یا شب از دست قطاع الطریق و اشخاصیکه وارد خانه آنها میشدند خواب نداشتند
 مرد زارع بر زرگر مجبور بود بچه خود را بخواهاند و تفنگ پر کرده بالای سرش بگذارد و تا صبح بیدار بماند تا صبح که آنها بیدار میشوند خودش بخوابد. این وضعیت آذربایجان بود.
 امروز بواسطه این نظام سر تاسر آذربایجان اگر يك کسی يك مجموعه را بر از طلاس بگیرد و از این سر آذربایجان بآن سر برود يك نفر قدرت ندارد که نسبت بآن متاع دست درازی کند
 اول قوه تأمینیه بسمت شمال رفت این قوه تأمینیه آن صفحه را بآمین نمود بعد شروع کرد بحرکت کردن بسمت جنوب بحدود کرمان و فارس و بعد بحدود هرستان
بعضی از نمایندگان - (بطور مهمه) خوزستان نه هرستان
آقا شیخ محمد علی - تعبیر میکنیم بغوزستان
شیروانی - خیر خوزستان است ، هرستان شبه جزیره است
آقا شیخ محمد علی - بسمت خوزستان که یکی از ایالات مهمه ایران و عضو قوی ایران است و آنچه شنیده ام حتی در زمان ناصرالدین شاه هم قوه نظامی آنطور که باید و شاید در خوزستان نرفته بود . .
بعضی از نمایندگان - (باهمه)

رفته بود
آقا شیخ محمد علی - بالجمله شیخ خزعل رئیس يك ایل پس از اینکه اوضاع سیاه ایران تغییر کرد و از آن صورت بی نظامی بصورت انتظامی در آمده و دید حکومت حکومت مرکزی شده است .
 حکومت قدرت است .
بعضی از نمایندگان - صحیح است .
آقا شیخ محمد علی - در صدبر آمد که اساس قدرت و قوت مرکزی را منهدم کند
 در صدبر آمد با سرمایه فوق العاده که از این آب و خاک پیدا کرده يك اختلافی بین ایلات تولید کند و يك قیامی برضد حکومت مرکزی بکند و با این نظر با بعضی از ایلات شروع به مذاکره کرد از قراری که بنده شنیدم با رئیس یکی از ایلات بزرگ که ایل قشقایی است داخل مذاکره شد و اینجا هم تشریف دارند اگر اینطور نیست تکذیب کنند .
 با آقای سردار عشایر ملقب به صولت الدوله
یک نفر از نمایندگان - سردار عشایر
آقا شیخ محمد علی - لقب سابقشان را عرض کردم با رئیس ایل قشقایی مشغول مذاکره شدند و از قراری که شنیدم گفته بود تفنگ از من پول از من اناثیه از من فقط تو مدیر کار باش
 امروز لازم است ما برضد قوای مرکزی ایران قیام کنیم
 البته يك کسی که علاقمند با ایران است علاقمند بمرکز حکومت است کسی که علاقه دارد قدرت ایران زیادتر شود و بواسطه خاطر قدرت ایرانی ها ارتقا پیدا کند قبول نمی کند
 ایشان هم مخالفت کردند از آنروزی که این اقدام شد شیخ خزعل شروع کرد بمخالفت کردن و کم کم تجاوز کرد و رسماً بمجلس شورای ملی بنام سردار سپه تلگراف کرد که من برضد شخص سردار سپه هستم و از این جهت قیام میکنم يك همچو تلگرافی کرد
 کلمه باطل یراد بها باطل . يك تعبیری در این کیفیت کرد
 درحالتی که اگر او خیال یاغیگری نداشت . اگر بر این دولت اعتراضاتی داشت باید مستقیماً از مجلس شورای ملی بخواهد بدون این که عرض اندام بکند . بدون این که برضد حکومت مرکزی قیام کند .
 مجلس در این باب يك جلسه خصوصی کرد و در آنجا مذاکره کرد
 دولت محض اینکه خونریزی واقع نشود برای اینکه ملت ایران شمشیر بروی هم نکشند و برضد یکدیگر کار نکنند و

قوای خودمان صرف خودمان نشود از این جهت دوماه باشیخ داخل مذاکره شد و شیخ متقاعد نشد و رسماً امروز وارد شده است در يك عملیاتی که ملت ایران از آن عملیات متنفر است
جمعی از نمایندگان - صحیح است .
 و مادر مجلس شورای ملی اطلاع داشتیم لکن گمان میکردیم بلکه یقین داشتیم که شیخ از این خود سری منصرف میشود باین جهت وارد در مذاکره نشدیم .
 امروز معلوم شد که شیخ در حالتی که منفرد است و در حالتی که ایلات دستشان تا بپایه بیجهان حتی بختیاری ها هم امروز تماماً با دولت و ملت ایران موافقت دارند منتها خزعل بواسطه خاطر ثروت فوق العاده که از دسترنج این ملت تهیه کرده برضد حکومت مرکزی قیام کرده .
 من بنام ملت از طرف شخص خودم بواسطه خاطر اینکه نماینده هستم و اگر آقایان هم با من همراهی دارند البته با من هم آواز خواهند شد بنام ملت ایران و بنام استقلال مرکزی ایران و بنام حکومت مقتدره ایران و بنام ایرانیت از شیخ اظهار تنفر میکنم و شیخ را مستحق مجازات میدانم .
 این بود عرایض من .
 مدرس - خوب بود بنام موکلین خودتان میفرمودند .
 رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)
 حاج میرزا عبدالوهاب بنده دو عرض داشتم .
 یکی راجع بمتحصنین مجلس که فکری برای آنها بشود که در این زمستان اینجا نمانند بروند سرزندگی خودشان .
 يك عرض بنده هم راجع بعرایض همدانی ها است که قریب شش ماه است در تلگرافخانه متحصن هستند و وقتی بعرایض آنها گذاشته نمیشود .
 حالا بنده نمیدانم حرف آنها صحیح یا غیر .
 مقصودم اینست که چرا وقتی بعرف آنها گذاشته نمیشود و مطابق اصل ۹۴ متمم قانون اساسی تحمیلاتی بآنها کرده اند و آنها هر چه تظلم میکنند جوابی بآنها داده داده نمیشود خواستم عرض کنم فکری برای آنها بشود .
 رئیس - آقای دست غیب (اجازه)
 دست غیب - تعبیراً خودم متعیرم چه تعبیر کنم تقریباً پنج شش ماه است از وزارت مالیه سؤالاتی شده و وزارت مالیه ندادن جواب غفلت و مسامحه میکند یا تعبیر دیگری که من نمیگویم چه باید تعبیر کرد برای جواب سؤالات حاضر نمیشوند .
 پنجم است بنده سؤال کرده ام راجع بنواقل زر قون که از آنجا در تحت چه قانون

نواقل میگیرند نمایاند جواب بدهند و همین طور يك سؤال دیگر کرده ام راجع باساس مشروطیت ایران که نمایاند جواب بدهند . از مقام محترم ریاست استدها مینمایم که خبر بدهند از طرف وزارت مالیه باینده جواب بدهند اگر هم حالا ضرند سؤال کنم جواب بدهند .
 معاون وزارت مالیه - يك سؤال از وزارت مالیه و يك جواب اگر در نظر آقا تعبیر دارد در وزارت مالیه تعبیر بردار نیست جواب هم داده خواهد شد اگر هم تأخیری در جواب شده برای اینست که راجع بسؤال آقا بمجلس مراجعه شد که تحقیقاتی بعمل آید . تحقیقات محلی هم شده است جواب هم از مجلس رسیده جواب سؤال آقا بعضی سؤالات دیگر هم حاضر است . در چند جلسه قبل هم مخصوصاً بنده برای عرض جواب سؤالات آقایان حاضر شدم و جواب سؤالاتی را که را هم که حاضر بوده است خدمت آقای رئیس محترم مجلس عرض کردم و صورت دادم منتها دستور و مذاکرات مجلس مجال نداد که جواب سؤالات آقایان عرض شود حالا بنده حاضر آن مقدار جوابهایی که حاضر شده (و صورت آن از دو دست سیصد سؤالی که از دولت شده و خدمت آقای رئیس میباشد) عرض کنم .
 رئیس - (خطاب بآقای دست غیب) سؤالات را بفرمائید .
 دست غیب - سؤال بنده راجع به - مالیاتی است که بعنوان نواقل در زر قون میگیرند .
 مالیات نواقل موضوعی دارد که مطابق قانونی که از مجلس گذشته از ایالات و ولایات میگیرند .
 زر قون که جزء ایالات و ولایات نیست ده بزرگی است در تحت چه قاعده مالی که بآنجا وارد میشود بعنوان نواقل از صاحبش مالیات میگیرند .
 حالا اجعافاتی که در ضمن گرفتن نواقل میشود از آن صرف نظر میکنم ولی اصلاً گرفتن این مالیات چه صورت دارد ؟ در صورتیکه نواقل را در شیراز میگیرند مطابق چه قاعده و ترتیبی دیگر در زر قون مطالبه میکنند ؟
 بعلاوه از قراری که بنده اطلاع پیدا کرده ام در موقع ورود از اشخاصی هم سوار هستند مالیات میگیرند .
 علی ایحال اگر این وجوهی که میگیرند بعنوان نواقل است مطابق چه ترتیبی میگیرند ؟ اگر هم در تحت عنوان مالیات است که ما از این مالیات خبر نداریم خوب است بفرمائید این چه پولی است که میگیرند ؟
 معاون وزارت مالیه - این مالیات نواقل که در بعضی شهر های کوچک یا قصبات میگیرند سوابقش در خاطر آقایان نماینده گان هست و مذاکرات مفصلی هم در این باب شده است و نظر باینکه بعضی

نقاط بنظر نمیآید که دارای شرایط پرداخت مالیات نواقل باشند لذا آنها تحت مذاقه گذاشته شد و مطالبه نواقل از اغلب آنها موقوف شد نسبت ببعضی نقاط دیگر که یکی هم زرقان است که آقا فرمودند هنوز تحت مطالعه است و نتیجه عبارت از این خواهد بود که مالیات از آنجا برداشته شود. دست غیب - اجازه میفرمائید؟ رئیس - بفرمائید. دست غیب - تحت مطالعه را بنده نفهمیدم. بنده دادم مالیاتی که اصل گرفتن آن بصوب مجلس نیست بچه صورت میگیرند؟ اساساً باید جواب اینطور بفرمایند ملغی شده یا ملغی خواهد شد. تحت مطالعه است و انشاءالله ملغی خواهد معنی ندارد. رئیس - آقای حاج عزالمالک راجع بتهیه بودجه سال آتی سؤالی داشتند. حاج عزالمالک اگر وارد دستور میشویم سؤال را برای بعد میگذارم. رئیس - بفرمائید. حاج عزالمالک - البته آقایان محترم مسبقاً که بموجب قانون مجاسبات عمومی باید وزارت خانه ها در شش ماه اول سال بودجه سال آتی خود را بوزارت مالیه بفرستند و وزارت مالیه در اول شش ماه آخر سال بودجه کل مملکتی را برای سال بعد بمجلس بفرستد. متأسفانه این ترتیب تا بحال بواسطه اینکه مجلس شورای ملی مرتباً همیشه کار نمیکرده است یا بواسطه اینکه غفلت کرده است باین ترتیب بودجه بمجلس نیامده است و اگر باین ترتیب بودجه تا بحال بمجلس شورای ملی آمده بود ما محتاج نمیشدیم که بودجه ۱۳۰۴ را حالا که در ماه هشتم سال هستیم جزء دستور مجاسبات بعد بگذاریم و همین مناسبت بنده از وزارت مالیه سؤال کرده بودم که آیا بودجه وزارت خانه ها مطابق ماده قانون مجاسبات عمومی تاکنون بوزارت مالیه رسیده است یاخیر؟ و وزارت مالیه تا چه موقع بودجه کل مملکتی را بمجلس شورای ملی برای سنه ۱۳۰۴ پیشنهاد خواهد کرد؟ معاون وزارت مالیه - در اوائل برج جوزای هذاه السنه وزارت مالیه بر حسب تکلیف و وظیفه قانونی که داشته است و نماینده محترم هم مستضرند متحدالمانه بوزارت خانه ها داده بودجه سال آتی را خواسته است و وزارتخانه ها هم مشغول ترتیب بودجه هستند. ولی این بودجه ها هنوز تدوین نشده و بوزارت مالیه نرسیده. علت عده اینستکه بودجه هذاه السنه چنانچه آقایان مطلع هستند یکصد و چهار و فقه شده است و هنوز هم از تصویب مجلس نگذشته و شرط اصلی تدوین بودجه سال

آتی تصویب بودجه امساله است چون مینا و اساس بودجه هذاه السنه است. در هر صورت امیدواریم که در ظرف همین دوسه هفته بطور قطع مذاکرات در بودجه هذاه السنه تمام شود. و بعضی اینکه بودجه هذاه السنه از مجلس گذشت تدوین بودجه سال آتی معطلی نخواهد داشت. بلافاصله بودجه ها از وزارتخانه ها خواسته شده و تقدیم بمجلس خواهد شد. حاج عزالمالک - اجازه میفرمائید. رئیس - بفرمائید. حاج عزالمالک - متأسفانه این جواب بنده را قانع نمیکند برای اینکه مسامحه وزراء نمیتواند يك قانون را بحالت تض بگذارند بنده از معاون محترم وزارت مالیه تقاضا میکنم که این مسئله را تعقیب کنند. اگر هم يك وزارتخانه باشد که استتکاف بکند و مطابق قانون مجاسبات عمومی بودجه خودش را بوزارت مالیه ندهد تنها میکنم که در مجلس شورای ملی علناً بگویند تا ما يك طرح قانونی یا يك ماده برای این کار تهیه کنیم. معاون وزارت مالیه - وزارت مالیه نسبت بامر مالیوس وطنی مراقبت و مواظبت را تا اندازه عهده دار است که جرائم متعلق باین کار را جمع آوری کرده و بصندوق برساند و برای این کار از بدو اجرای این قانون تاکنون هشت الی نه متحدالمانه تمام ولایات و نقاط فرستاده است تا یکدانی هم که لازم بوده است شده و اینکه فرمودند يك لباس وطنی روی البسه شان می پوشند و می گویند مقصود لباس ظاهری است این اطلاعات را بنده ندارم آنچه که در ادارات دیده می شود همه ملبس به البسه وطنی هستند از ولایات هم متصل اطلاعات میرسد که نه تنها رؤسای مالیه سعی میکنند مستخدمین کشوری ملبس بالبسه وطنی باشند بلکه از بعضی از ولایات بما راپورت میدهند که در تشویق هائی هم کرده اند و از منسوجات وطنی هم نمونه هائی فرستاده اند و اسباب این شده است. که منسوجات وطنی را در آنجاها متداول کرده اند و البته اعضاء ادارات هم مقدم بر دیگران می پوشند و از بیست و شش محل تا بحال صورت هائی داده اند و صورت جرائمی هم که اخذ شده است تا دوماه قبل بار رسیده و از دوماه قبل باین طرف هم البته در ضمن نوشتجاتشان که بعد خواهد رسید معلوم میشود و ما مورین البته وظیفه خود را در این باب انجام داده اند یعنی اگر جریمه بکسی تعلق بگیرد با کمال سختی مطالبه می کنند و بر کرم می فرستند. وکیل الملک - اجازه میفرمائید. رئیس - بفرمائید. وکیل الملک - جواب سؤال بنده را حضرت تعالی نفرمودید بنده عرض کردم که میزان جرائمی که در صندوق داریم چقدر است و یکی دیگر هم اینکه مقصود بنده ایالات و ولایات نبود مقصود خود طهران بود

در قانون فقط جوراب و آستر لباس و بیره را استثناء کرده اند. حالا حرف بنده در آن قسمت هم نیست که چرانی پوشند چون خیال می کنم هیئت دولت یا وزارت مالیه برای جبران کسر بودجه هم شاید يك میلیون و سیصد هزار تومان باشد ولی بنده با این ترتیب هم مخالف نیستم. سؤال بنده این است که این جرائمی که از مستخدمین ادارات گرفته می شود و بصندوق مالیه میآید چقدر است؟ می خواستم عرض کنم که آیا ممکن است ما بفهمیم این عایدات چقدر است و وزارت مالیه هم مصرفی برای آن معین کرده یاخیر؟ معاون وزارت مالیه - وزارت مالیه نسبت بامر مالیوس وطنی مراقبت و مواظبت را تا اندازه عهده دار است که جرائم متعلق باین کار را جمع آوری کرده و بصندوق برساند و برای این کار از بدو اجرای این قانون تاکنون هشت الی نه متحدالمانه تمام ولایات و نقاط فرستاده است تا یکدانی هم که لازم بوده است شده و اینکه فرمودند يك لباس وطنی روی البسه شان می پوشند و می گویند مقصود لباس ظاهری است این اطلاعات را بنده ندارم آنچه که در ادارات دیده می شود همه ملبس به البسه وطنی هستند از ولایات هم متصل اطلاعات میرسد که نه تنها رؤسای مالیه سعی میکنند مستخدمین کشوری ملبس بالبسه وطنی باشند بلکه از بعضی از ولایات بما راپورت میدهند که در تشویق هائی هم کرده اند و از منسوجات وطنی هم نمونه هائی فرستاده اند و اسباب این شده است. که منسوجات وطنی را در آنجاها متداول کرده اند و البته اعضاء ادارات هم مقدم بر دیگران می پوشند و از بیست و شش محل تا بحال صورت هائی داده اند و صورت جرائمی هم که اخذ شده است تا دوماه قبل بار رسیده و از دوماه قبل باین طرف هم البته در ضمن نوشتجاتشان که بعد خواهد رسید معلوم میشود و ما مورین البته وظیفه خود را در این باب انجام داده اند یعنی اگر جریمه بکسی تعلق بگیرد با کمال سختی مطالبه می کنند و بر کرم می فرستند. وکیل الملک - اجازه میفرمائید. رئیس - بفرمائید. وکیل الملک - جواب سؤال بنده را حضرت تعالی نفرمودید بنده عرض کردم که میزان جرائمی که در صندوق داریم چقدر است و یکی دیگر هم اینکه مقصود بنده ایالات و ولایات نبود مقصود خود طهران بود

ممكن است خود آقا تشریف ببرند در ادارات ملاحظه بفرمایند اغلب ادارات همانطور که عرض کردم يك لباس ظاهری دارند که می پوشند و می گویند مجلس نظارش این بوده و همین طور هم تصویب کرده است در صورتی که مجلس مقصود مجلس این نبوده و بکنی مخالف این نظریه است. معاون وزارت مالیه - مبلغ تحقیقی را نمی توانم عرض بکنم برای اینکه صورت هائی که رسیده است تا دوماه قبل بوده است و البته تصدیق می کنید که صورت اینها تا ولایات بر کز برسد یکی دوماه طول می کشد البته پس از آنکه صورت جمع معینی که از بابت جریمه گرفته شده است بوزارت مالیه رسید آن وقت عرض می کنم. رئیس - آقای رهنما (اجازه) سؤال بنده راجع بیانک استقراضی است (آقای رئیس آهسته چند کله بالباشان مذاکره نمودند) رهنما - چون آقای معاون وزارت مالیه حاضر نشده از برای جواب می گذارم برای بعد. رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب راجع بعقود عدلیه همدان سؤالی داشتید. حاج میرزا عبدالوهاب آن را که جواب داده اند. رئیس دیگر سؤالی ندارد. حاج میرزا عبدالوهاب - خیر. رئیس - آقای طهرانی راجع بسازدود خانه تبریز سؤالی داشتید. آقا شیخ محمدعلی طهرانی سؤالی ندارد. رئیس - خوب وارد دستور میشویم آقا سید یعقوب سؤالات بنده مرحوم شده است. رئیس - ایشان نوشته اند که برای شش فقره از سؤالات حاضرند آقا سید یعقوب سؤال بنده هم در تعقیب همان سؤال آقای دست غیب بود. رئیس - وارد دستور می شویم. مالیات قواعدی بر عایدات مطرح است. شاهزاده محمدولی میرزا (اجازه) رئیس - بفرمائید. وکیل الملک - جواب سؤال بنده را حضرت تعالی نفرمودید بنده عرض کردم که میزان جرائمی که در صندوق داریم چقدر است و یکی دیگر هم اینکه مقصود بنده ایالات و ولایات نبود مقصود خود طهران بود

شود. و یک اشخاصی که امروز از هر گونه تعیبات معاف هستند بآنها هم يك تعجیلی وارد بیاید و آنها هم شرکت کنند با معارج دولت. آقایانم تصور نمی کنم با این اصل مخالف باشند و گمان می کنم همه آقایان موافق هستند در يك ملکیتی که اصول حکومت او شوروی و پارلمانی است البته هر کس باید با اندازه وسع و استعداد خودش با معارج عمومی مملکت شرکت کند و بقیه بنده این بزرگترین افتخاری است که هر کس با اندازه وسع خودش در امور حکومت شرکت داشته باشد و گمان میکنم هیچک از آقایان مخالف نباشند. ولی میخواهم از این مقدمات يك نتیجه بگیرم و نسبت بيك مسئله که آقای مغبدر در ضمن اظهارات خودشان و آن مذاقه غرائی که فرمودند يك عرایضی داشتم و می خواستم نسبت بآنها عقاید خود را اظهار کنم و آن این بود که اولاً آن روز فرمودند از نقطه نظر احتیاج است که ما با ایجاد وضع يك مالیات جدید متوسل می شویم و فرمودند که مملکت مخارج دارد و محتاج است باین که عوائدی وضع کند و می بیند که امروز این عوائد با این مخارج تکافورانی کند و باید متوسل ببینند قوت مردم و از آنها بعنوان مالیات يك چیزی گرفت تا اینکه بالاخره از عهده معارج بتوانیم برآئیم و در ضمن هم اشاره فرمودند که در ممالک متدنه آقایان می مانند که پایه عایدی بچه درجه است. و در آن ممالک هم که البته از نقطه نظر تجربه و علم و عمل خیلی از ما پیش هستند این مالیات معمول است پس چرا دیگر ما مخالفت باید بکنیم و این يك مالیاتی است که نتیجه علم است اصولاً ما باید تصدیق کنیم که چون در آنجا این مالیات برقرار شده است و از این مالیات نتایج عده اخذ می شود پس ما هم باید بیائیم قبول کنیم که این مالیات وضع شود و اصولاً اساس مذاقه خودشان را اینطور قرار دادند که این مالیات چون در اروپا بر قرار شده است و خیلی هم خوب است اینست که ما هم بآنها باید تاسی کنیم و در واقع این مالیات را يك قومى درجاده ترقی دانستند که با اخذ این مالیات ما میتوانیم خیلی از احتیاجاتمان را رفع کنیم. بنده در این قسمت با اجازه خود مخیر محترم یکصدری تردید خواهم کرد. بعلم اینکه در اروپا يك قواعدی است که آن قواعد از زروی يك پایه و بنیان علمی است و ممکن نیست بصورت بنده یا دیگری در آن قواعد تزلزلی وارد آید. بنده اصولاً با تکثیر عایدات با ایجاد يك مالیات جدیدی مخالف نیستم و باین مالیات هم اگر مخالفتی می کنم باطرز وصول آن است. بنده مخالف نیستم که يك مالیاتی وضع

قواعد هیچ تزلزلی وارد نخواهد آمد. ولی بنده نمی دانم نسبت بقواعد اجتماعی هم آیا اینطور است؟ هر قانونی که در اروپا پنجاه سال قبل راجع باقتصادیات وضع شده است آیا تا امروز همانطور برقرار است؟ بنده گمان نمیکنم. برای اینکه تغییراتی که هر روز راجع بوضعیات اجتماعی و اقتصادی پیدا میشود قواعد آن هم تغییر میکند و از این نظر هم عرض میکنم که اینها يك قواعد لایتنیری نیستند و بنده مخصوصاً تذکر میدهم که مالیات تصاعدی يك مالیات ترکیبی است که در تحت فشار و در تحت ازدیاد مخارج ضروری (نه مخارجی مثل مخارج ما باشد بنده در این قسمت هم عرایضی دارم و ثابت میکنم که مخارج ماضوری نیست) مجبور بوضع يك مالیاتهای ترکیبی و مالیات تصاعدی میشوند (آنها نه با بنظر زری که در این لایحه نوشته شده) يك مالیات ترکیبی از زروی فکر مطلعین و اشخاص بصیر بواسطه ضرورت و شدت احتیاجات وضع میشود و بنده میخواهم بدانم که آیا امروز آن ضرورت و احتیاج که برای مملکت مایبدا شده است کدام است که ما را محتاج وضع مالیات تصاعدی کرده است؟ آیا ممکن نبود بيك وسائل سهل تری که بعمل هم نزدیک تر باشد ایجاد عایدات کرد؟ اینجا بعضی از آقایان موافقین فرمودند که این مالیات همین عدالت است. بنده عرض میکنم که هیچ مالیاتی همین عدالت نیست و این مالیات بعقیده بنده نزدیک عدالت هم نیست. بنده اگر چه همیشه این قسمت را مد نظر دارم و کاملاً هم موافق هستم که همانطور که دول متدنه امروز رفتار میکنند ما هم بآنها تاسی کنیم و سعی کنیم که خودمان را بآنها برسانیم ولی در آنجا در وضع قوانین يك فلسفه هائی راهم قائل بودمانه که ما تا کنون هیچ توجهی بآن قسمتها نکرده ایم و اینکه آقای مخیر فرمودند تصویب این مالیات يك قدمی است در جاده ترقی بنده هم در سهم خود با کمال افتخار و اغلب تصدیق میکنم ولیکن در سایر قسمتها هم ما باید يك قدری بآنها تاسی بکنیم و در بعضی قسمتها هم که آنها از ترقی بهره مند هستند ما هم بهره مند شویم. مثلاً در هر يك از بودجه های ممالک متدنه وقتی که وقت بفرماید غیر از مخارج اداری مستخدمین دولت يك مخارج دیگری هم هست ولی تصدیق میفرمائید مطابق این صورت جمع و خرجی که بنده در دست دارم هر چه نگاه میکنم میبینم مردم شريك و سهیم در این مخارج هستند در

قسمتهای دیگر باید تصدیق بفرمایند که ملت وهامه بهره مند نیست. و این مالیاتی که از او گرفته میشود در صورت محاسبه خودش میتوسد باید جزء مبلغ سوختی بنویسد برادر آن مالک همه ساله يك مقداری از این مالیاتی که از او گرفته میشود مجدداً بخودش عاید میشود و متأسفانه ما این قسمت را هیچ رعایت نمیکنم و لکن در اروپا اینطور نیست در آنجا اینهمه بودجه های گرانی دارند و این مالیاتهای را که از مردم میگیرند که چندین برابر مالیاتهای ما هست و هیچ قابل قیاس با مالیاتهای ما که ما میدهم نیست از این مالیات بصور و اشکال مختلفه هر سال يك قسمت از آنها را دولت بخود مردم پس میدهد و مردم بهره مند میشوند و در حقیقت مردم وقتی که در اروپا مالیات میدهند خیال میکنند که بيك سهمی از تجارتخانه خریدارند یا یا بيك مؤسسه و بيك شرکت امینی شرکت کرده اند و اطمینان دارند که آن سهم هیچوقت از بین نخواهد رفت و آن شرکت هم هیچ موقعی در مخاطره و رشکست شدن واقع نمیشود ولی در مملکت ما اینطور نیست. در آنجا هيك قسمت عده از این مالیاتها را صرف مخارج انتقاعی و بهره برداری میکنند و از همین مالیاتها بدون اینکه استقراض بخصوص هم بکنند راه آهن کشیده اند و میکنند و توسعه هم میدهند ولو اینکه در فلان کورده که در کوهستانست و جهات اقتصادی هم مرتب نیست. معذک دولت چون خودش را مکلف میدانند و از آن کوره ده هم مالیات میگیرد این است که بیك شرکت راه آهنی تاسیس میکنند که راه آهن را تا آنجا هم امتداد بدهد و در سال مالیاتی از کیسه خودش و از همین مالیاتی که از مردم گرفته است تفاوت ضرر بران شرکت میدهد. حالا کدام يك از این قضایا در مملکت ما وجود دارد؟ خواهند فرمود تازه میخواهم این کار را بکنیم و مالیات تصاعدی را وضع بکنیم و از این راه يك مخارج اجتماعی بکنیم. مخصوصاً بنده در همین سال بطوریکه از رئیس محترم کمیسیون بودجه تحقیقات کردم. در هذاه السنه مبلغی که برای مخارج انتقاعی در کمیسیون بودجه پیش بینی شده است یا نصف و چهل هزار تومان است در واقع این یا نصف و چهل هزار تومان آنقدر بر مردم میآید در مقابل آن سوچی هم برای شما تصویب کرده ایم که يك مخارجی بشود و شما هم بيك سهمی بهره بردارید. بنده عرض میکنم در يك ایالت معظم مثل آذربایجان که يك راه آهنی دارید که میلیونها خرج

آن شده است و این راه آهن از بهترین راه آهنهای است که اخیراً ساخته شده است و در سال ۶ میلیون تن حمل و نقل میکنند بنده یکی از ستوالانی که از وزارت فوائد عامه داشتم و هنوز جواب نداده اند راجع باین راه آهن بود برای اینکه این راه آهن کم کم دارد از بین میرود. راست است که شما در این یا نصف و چهل هزار تومان پیش بینی کرده اید ولی بنده اساساً منکر این اقدام پیش بینی های چندین برابر مالیاتهای ما هست و هیچ قابل قیاس با مالیاتهای ما که ما میدهم نیست از این مالیات بصور و اشکال مختلفه هر سال يك قسمت از آنها را دولت بخود مردم پس میدهد و مردم بهره مند میشوند و در حقیقت مردم وقتی که در اروپا مالیات میدهند خیال میکنند که بيك سهمی از تجارتخانه خریدارند یا یا بيك مؤسسه و بيك شرکت امینی شرکت کرده اند و اطمینان دارند که آن سهم هیچوقت از بین نخواهد رفت و آن شرکت هم هیچ موقعی در مخاطره و رشکست شدن واقع نمیشود ولی در مملکت ما اینطور نیست. در آنجا هيك قسمت عده از این مالیاتها را صرف مخارج انتقاعی و بهره برداری میکنند و از همین مالیاتها بدون اینکه استقراض بخصوص هم بکنند راه آهن کشیده اند و میکنند و توسعه هم میدهند ولو اینکه در فلان کورده که در کوهستانست و جهات اقتصادی هم مرتب نیست. معذک دولت چون خودش را مکلف میدانند و از آن کوره ده هم مالیات میگیرد این است که بیك شرکت راه آهنی تاسیس میکنند که راه آهن را تا آنجا هم امتداد بدهد و در سال مالیاتی از کیسه خودش و از همین مالیاتی که از مردم گرفته است تفاوت ضرر بران شرکت میدهد. حالا کدام يك از این قضایا در مملکت ما وجود دارد؟ خواهند فرمود تازه میخواهم این کار را بکنیم و مالیات تصاعدی را وضع بکنیم و از این راه يك مخارج اجتماعی بکنیم. مخصوصاً بنده در همین سال بطوریکه از رئیس محترم کمیسیون بودجه تحقیقات کردم. در هذاه السنه مبلغی که برای مخارج انتقاعی در کمیسیون بودجه پیش بینی شده است یا نصف و چهل هزار تومان است در واقع این یا نصف و چهل هزار تومان آنقدر بر مردم میآید در مقابل آن سوچی هم برای شما تصویب کرده ایم که يك مخارجی بشود و شما هم بيك سهمی بهره بردارید. بنده عرض میکنم در يك ایالت معظم مثل آذربایجان که يك راه آهنی دارید که میلیونها خرج

فهرت از سایر مالیات های غیر مستقیم که کمتر داشتیم و بلکه هیچ نداشتیم آنچه در تحت عنوانات ما بنابر جنسی که خرواری ۳ تومان تسعیر میشده است کلیه عوائدی که در این مملکت وجود داشته منحصر میشده بشش کروار تومان که این مبلغ را ما از مالیات اراضی و املاک برداشت میکردیم در صورتیکه امروزه درسته تنگ و تنگ از بابت عوائد املاک ۷ کروار تومان فقط مالیات مستقیم ما بوده است و اگر در واقع عوائد حاصله از نقطه نظر موضوع کنیم مجموع عوائد مستقیم و غیر مستقیم ما در صورتی که عوائد گمرک هم داخل آن باشد قریب بیست و یک میلیون تومان است.

عوائد آن اوقات با گمرک و همه چیز بیش از ۱۴ کروار و نیم یعنی ۱۵ کروار و نیم بوده است.

در صورتیکه عوائد امروزه ما بالغ بر ۲۱ میلیون تومان است.

حالا ملاحظه فرمائید در ظرف بیست سال اهالی این مملکت بدبخت بجای ۱۵ کروار چهل کروار باید بدهند و اینطور بر آنها تحمیل شده است.

پس بر ما هم باندازه وسع خودمان مالیات تحمیل شده است و اگر بخواهیم یک احصائیه تشکیل بدهیم می بینیم بیشتر از اروپا مالیات بر ما تحمیل شده است.

شیروانی - بر ضمهاف بلی ولی بر اغنیاء خیر.

محمودولی میرزا - شاید یک قسمت از عرایض بنده خارج از موضوع بود (آقا سید یعقوب عین موضوع بود) ولی ضمناً ناچارم عرض کنم بعضی از آقایان که مخالفت می کردند عقیده شان این بود و می گفتند مادام که ماصورت جمع و خرج مملکتی را ببینیم که از عوائد و مجامع کاملاً مسبور نشویم تصحیم گرفته ایم که اصلاً بهیچ از زیاد مالیاتی رأی ندهیم بنده با این عقیده شریک هستم زیرا بنده خودم بلاایه بودجه که طبع و توزیع شده است مراجعه کرده ام.

فرضاً در یکی از اقلام آن صورت تردیدی داشته باشم بطور خصوصی ممکن است از وزارت مالیه سؤال کنم یا در اینجا از وزیر مالیه سؤال کنم و باین وسیله تحقیق کنم.

پس بنده باین قسم مخالفت موافق نیستم و مخالفت بنده هم با وضع این مالیات از این لحاظ نیست یعنی از آقایان ایراداتی را جمع به تصور ما مورین وزارت مالیه نموده و در واقع اظهار عدم اعتماد نسبت بکارکنان و اعصاب وزارت مالیه نموده اند. بنده خواستم این مسئله این مسئله را بر عرض آقایان برسانم که مجلس شورای ملی و نمایندگان معترم حاکم بر قضایا هستند نه محکوم در صورتیکه شما حاکمیت خودتان

را تصدیق میفرمائید نباید بر یکسکده مستخدمینی که مستقیماً طرف نیستند حمله فرمائید.

اگر فرضاً خطائی از مستخدمین صادر بشود این را از وزیر یا معاون محترم وزارت مالیه باید سؤال فرمائید و ایشان هم ناچارند جواب بدهند.

ولی بنده تصدیق میکنم که ما مورین جزء و تحصیل دارها و کسانی که از مردم مالیات میگیرند در ضمن ایفاء وظیفه یک قدری تعطی و تجاوز هم میکنند و این تعطی نه از نقطه نظر آزار است بلکه از این لحاظ است که قانون و نظامانی در دست آنها نیست که از آنرو بتوانند بوظایف خودشان رفتار نمایند و هم برای این است که مردمی هم که با آنها طرف هستند یک حدود معینی نیست که درجه تسلیم آنها را در مقابل ما مورین تعیین نماید.

دیگر اینکه در ضمن مذاکره در ایسن مالیات اظهار شد که این مالیات عادلانه است و چون عادلانه است ضرری ندارد که مردم این مالیات را بدهند.

بنده قبلاً اصلی را عرض کردم که گمان نمیکنم هیچیک از آقایان با آن مخالف باشند و آن این است که هر کسی مطابق وسع خود باید مالیات بدهد و در خرج مملکت خودش شرکت بکنند ولی مالیات را بر طبق تناسب باید قبول کنیم نه تقاعد.

در صورتی که بخواهید وضع مالیات را بر روی عدالت قرار دهید مالیات تناسبی با نسبتاً بمالیات نزدیکتر است تا مالیات تصاعدی.

در این لایحه پیشنهاد می فرمائید که اولاً تا هزار تومان معاف و از این راهم بر طبق عدالت بدانید.

ولی باید دانست که این یک عدالت نظری است.

بنده هم مطابق نظر خودم کسی را که پنج هزار تومان عایدی سالیانه دارد ولی در عوض عائله زیاد و مخارج زیاد دارد می گویم بیچاره است و باید از تادیه مالیات معاف باشد.

بنده عرض میکنم این لایحه بطوری که تدوین شده است هیچ نوع اساس و بنیان علمی ندارد و نتیجه هیچ محاسبه علمی و اساسی نیست فقط قضیه را نظری گرفته اند.

خوب وقتی که عدالت نظری شد ممکن است در نظریات اختلاف پیدا شود و هر کسی یک نوع نظر داشته باشد.

مطابق نظرشان اول آمده اند و هزار تومان را معاف کرده و دوهزار تومان را صد یک قرار داده اند و از چهار هزار تومان تا شش هزار تومان صدی سه و از ده هزار تومان تا پانزده هزار

تومان صدی پنج و از بیست و پنج هزار تومان بیلا صدی ده.

بنده عرض می کنم اصلاً لازم نیست که از بیست و پنج هزار تومان بیلا کسی عایدات داشته باشد هر چه زیادتیر دارد از او بگیرد وقتی بنا شود اساس عدالت را بر روی نظریات بنده و سرکار قرار دهند همین طور میشود.

امروز که احصائت خیلی تند نیست صد ده قرار میدهد فردا ممکن است یک دسته بیایند صدی یا صدی پنجاه بگیرند بنده عرض کردم در مملکتی که وضع مالیات بسته بنظر بنده و آقا باشد بالاخره همینطور خواهد شد.

زیرا چنانچه عرض شد نتیجه این میزان بندی با هیچ حسابی و علمی درست در نمی آید.

بنده عرض می کنم تا شش هزار تومان چرا در هزار تومان شرا از قرار صد سه بدهد و مابقی اش را صد دو؟ برای اینکه نظری باید با آقایان گوشزد کنم که این مالیات ابدی پایه علمی ندارد و بطوری که در به و ما عرض کردم در تحت هیچ قاعده حسابی نیست.

هنوز بعداً کثر رسیده است که شما میخواهید آنرا ول کنید و یک مالیات جدیدی وضع نمائید.

مالیات مستقیم ما که امروزه بهفت میلیون تومان بالغ می شود چنانچه در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض کنم که اگر شما لایحه میزری را بیاورید و تصویب کنید قطع نظر از اینکه بوظیفه خودتان عمل کرده اید هم مردمانی را که در زحمت و فشارند راحت میکنید و هم بر عوائد دولت میافزاید.

امروزه قسمت مهم شکایاتی که از ما مورین مالیه و تحصیل دارها میشود تمام بواسطه این که جزو جمع مالیات ها با وضعیات حاضر تطبیق نمی کند و برای این که عرض خود را ثابت کنم اضافه میکنم که بموجب صورتی که بنده تحصیل کرده ام عوائد جنسی ما بیشتر از مملکت ما است یک مالیات های ترکیبی ممکن است وضع کنی و برای این که عرض خود را ثابت کنم عرض میکنم که در این مملکت ما که از بیست و پنج هزار تومان بیلا کسی عایدات داشته باشد هر چه زیادتیر دارد از او بگیرد وقتی بنا شود اساس عدالت را بر روی نظریات بنده و سرکار قرار دهند همین طور میشود.

امروز که احصائت خیلی تند نیست صد ده قرار میدهد فردا ممکن است یک دسته بیایند صدی یا صدی پنجاه بگیرند بنده عرض کردم در مملکتی که وضع مالیات بسته بنظر بنده و آقا باشد بالاخره همینطور خواهد شد.

زیرا چنانچه عرض شد نتیجه این میزان بندی با هیچ حسابی و علمی درست در نمی آید.

بنده عرض می کنم تا شش هزار تومان چرا در هزار تومان شرا از قرار صد سه بدهد و مابقی اش را صد دو؟ برای اینکه نظری باید با آقایان گوشزد کنم که این مالیات ابدی پایه علمی ندارد و بطوری که در به و ما عرض کردم در تحت هیچ قاعده حسابی نیست.

هنوز بعداً کثر رسیده است که شما میخواهید آنرا ول کنید و یک مالیات جدیدی وضع نمائید.

مالیات مستقیم ما که امروزه بهفت میلیون تومان بالغ می شود چنانچه در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض کنم که اگر شما لایحه میزری را بیاورید و تصویب کنید قطع نظر از اینکه بوظیفه خودتان عمل کرده اید هم مردمانی را که در زحمت و فشارند راحت میکنید و هم بر عوائد دولت میافزاید.

امروزه قسمت مهم شکایاتی که از ما مورین مالیه و تحصیل دارها میشود تمام بواسطه این که جزو جمع مالیات ها با وضعیات حاضر تطبیق نمی کند و برای این که عرض خود را

آنها نه بطوریکه در این لایحه پیش کرده اند وضع شد.

مثلاً مالیات تصاعدی آنجا بر میزان تعلق میگردد بطوری که کسی که از پندر مرحومش مبلغی بارث می برد از او یک چیزی میگیرند.

بعلاوه در آنجا وضع مالیات تصاعدی مورد وقوع دارد ولی آنگاه باین ترتیبی که در این لایحه پیش بینی شده است نیست در این قسمت ممکن است اشخاص یک نظریات سیاسی داشته باشند شاید یک نظریات حزبی و مسلکی در کار باشد و از آن لحاظ است که از این لایحه دفاع می کنند.

ولی بنده چون این نظر را ندارم لذا مخالفم و شاید آقایانی هم که بر میگزینند و از این لایحه ممانع می کنند نظریات مسلکی و حزبی ندارند بلکه تصویری کنند که از نظر احتیاجات مملکتی امروزه ما محتاجیم که یک عوایدی تحصیل کنیم و بنظرشان وضع این مالیات خوب و مساعد آمده است ولی نباید فراموش کرد همان مالیات هایی که برای وصول و اخذ آنها مستخدمین باورزیده تر شده اند.

هنوز بعداً کثر رسیده است که شما میخواهید آنرا ول کنید و یک مالیات جدیدی وضع نمائید.

مالیات مستقیم ما که امروزه بهفت میلیون تومان بالغ می شود چنانچه در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض کنم که اگر شما لایحه میزری را بیاورید و تصویب کنید قطع نظر از اینکه بوظیفه خودتان عمل کرده اید هم مردمانی را که در زحمت و فشارند راحت میکنید و هم بر عوائد دولت میافزاید.

امروزه قسمت مهم شکایاتی که از ما مورین مالیه و تحصیل دارها میشود تمام بواسطه این که جزو جمع مالیات ها با وضعیات حاضر تطبیق نمی کند و برای این که عرض خود را ثابت کنم عرض میکنم که بموجب صورتی که بنده تحصیل کرده ام عوائد جنسی ما بیشتر از مملکت ما است یک مالیات های ترکیبی ممکن است وضع کنی و برای این که عرض خود را ثابت کنم عرض میکنم که در این مملکت ما که از بیست و پنج هزار تومان بیلا کسی عایدات داشته باشد هر چه زیادتیر دارد از او بگیرد وقتی بنا شود اساس عدالت را بر روی نظریات بنده و سرکار قرار دهند همین طور میشود.

امروز که احصائت خیلی تند نیست صد ده قرار میدهد فردا ممکن است یک دسته بیایند صدی یا صدی پنجاه بگیرند بنده عرض کردم در مملکتی که وضع مالیات بسته بنظر بنده و آقا باشد بالاخره همینطور خواهد شد.

زیرا چنانچه عرض شد نتیجه این میزان بندی با هیچ حسابی و علمی درست در نمی آید.

بنده عرض می کنم تا شش هزار تومان چرا در هزار تومان شرا از قرار صد سه بدهد و مابقی اش را صد دو؟ برای اینکه نظری باید با آقایان گوشزد کنم که این مالیات ابدی پایه علمی ندارد و بطوری که در به و ما عرض کردم در تحت هیچ قاعده حسابی نیست.

هنوز بعداً کثر رسیده است که شما میخواهید آنرا ول کنید و یک مالیات جدیدی وضع نمائید.

مالیات مستقیم ما که امروزه بهفت میلیون تومان بالغ می شود چنانچه در دوره چهارم عرض کردم حالا هم عرض کنم که اگر شما لایحه میزری را بیاورید و تصویب کنید قطع نظر از اینکه بوظیفه خودتان عمل کرده اید هم مردمانی را که در زحمت و فشارند راحت میکنید و هم بر عوائد دولت میافزاید.

امروزه قسمت مهم شکایاتی که از ما مورین مالیه و تحصیل دارها میشود تمام بواسطه این که جزو جمع مالیات ها با وضعیات حاضر تطبیق نمی کند و برای این که عرض خود را

بنده ستم در استبداد اقتضای دیدن که دود رانداشت ولی هنوز در ولایات معمول است مالک بدبخت وقتی که در تحت فشار بیفتد مجبور میشود که هر طور هست یا بقرض یا بفروش قالی و اجناس دیگر مالیات دولت را بدهد.

(یکی از نمایندگان محترم فرمودند) میگویند چطور میشود مالیات دیوان را نداد در تحت همین اصل مردم مجبورند بروند از هر جا هست قرض و فراهم کرده مالیات دولت را بدهند ولی در مالیات جنسی اینطور نیست و نقصان مالیات جنسی بواسطه خرابی است و اینکه بنده عرض کردم بهترین دلیل است.

بنده خودم در قسمت اعظم این مملکت مسافرت کرده و اغلب در دهات زندگانی کرده ام و از وضعیت و خرابی دهات مطلعم امروزه دهات خراب نسبت به پیش شاید از حدود صد بیست و صدی تجاوز کرده و بهترین دلیل همین است که عرض کردم.

شیروانی - متفقدین نمیدهند.

محمودولی میرزا - سیصد و ده هزار خروار عایدات جنسی دولت بصد و هفتاد و یک هزار خروار رسیده است نه اینکه مثل یکی از همکاران محترم که میفرمایند و تکرار میکنند بواسطه ندادن متفقدین. آقا اگر شما یک متفقدی را سراغ دارید که مالیات خودش را نمی دهد از وزیر یا معاون وزارت مالیه سؤال و استیضاح کنید. یک ورقه استیضاح بنویسید بنده هم پای آنرا امضاء میکنم.

شیروانی - همین امروز معمدولی میرزا - این حرف هائی که در خارج زده میشود از قبیل تبی جوان تبی مندرس تبی پیر سیته برقی و غیره خیال میکنند در مجلس هم باید زده شود در صورتیکه در بنده اثری ندارد و تصور میشود برای خاطر این حرف ها بنده دست از وظیفه و کالتی خود برمیدارم یا بایک قیام و قعود این تحصیل را تصویب نمیکنم آنها که میکنند برای این است که میخوانند از آنجائی که کویل شده اند باز فردا هم کویل شوند و بنده هیچ این میل و آرزو را ندارم و قسمتی که بیشتر معرتک بنده شده است که بیایم اینجا و این حرفها را بزنم همین است که بدون علم و اطلاع از روحیات مردم نمیخواهم اینجا بکرائی بدهم.

شیروانی - این مربوط بخودتان است. و کویل و مو کل شماستید.

محمودولی میرزا - گفته میشود که این مالیات را رأی بدهیم مملکت ترقی میکند عرض کردم بنده قبل از اینکه یک مطالبه ای بکنم شخصاً نمیتوانم بایک قیام و قعود و یک تحصیل جدیدی را نسبت ب مردم تصویب کنم. مگر اینکه مردم بگویند که در مقابل این تحصیل شما فلان منفعت را خواهید داشت مثل قوای تأمینیه وقتی که مردم بدانند این یولی که بدهند یک قسمتش بصورت و اشکال مختلفه بدهودشان بر میگردد آن وقت از روی میل حاضر میشوند و شما هم یک دلائل منطقی دارید که با آنها بگوئید آنها هم چون دیدند برایشان فایده ندارد زیر بار این تحصیل میروند مردم فکر سلیم دارند. آنها خیلی بیشتر از بنده و آقایان (با آقایان جسارت نمیکنم) یعنی بهتر از بنده منافع و وضعیت خودشان را تشخیص می دهند.

چنانچه ملاحظه فرمائید امروزه ما میتوانیم مردم بگوئیم که از این پولی که شما میدید نیست ضرورتی که صرف قوای تأمینیه مملکت میشود.

این چیزی نیست که من اینجا پشت تریبون عرض کنم بلکه همه مردم میدانند و واضح است.

مثلاً اهالی آذربایجان میدانند وضعیت پنج شش سال پیش شان چه بوده و حالت امروز شان از چه قرار است آن وقت اگر طلائی میداشتند اصلاً نمی توانستند زیر خاک آن طلا را مدفون و حفظ کنند ولی امروز (اگرچه آن طلا را ندارند) امانت دارند و آسایش در آن حدود حکم فرما است.

آن قسمت از عوائد مملکتی که به صرف حق خودم میرسد مردم از روی کمال میل میدهند مثل همان قوای تأمینیه که عرض شد و دست و تلگراف که محتاج الیه مردم است ولی یک قسمت دیگر از مصارف و تشکیلات است که فایده برای مردم ندارد.

مثلاً مردم مسؤول وصول مالیات نیستند و چه فایده برای آنها متصور است که بدانند وصول و اخذ پانزده یا بیست میلیون فرضاً چهار میلیون یا پنج میلیون یا دو میلیون دولت خرج میکند این مسئله مستقیماً توجه مردم نیست.

این است که بنده باز تکرار میکنم و تکرار را زائد نمیدانم زیرا عقیده ام این است که هر چه در این باب گفته شود کم است.

مردم حاضرند ما هم خودمان را باید حاضر کنیم که با مردم را سنگین کنیم مشروط بر اینکه اقلاً یک عوایدی هم برای مصالح دیگری داشته باشید که ممکن بود آنها را در نظر بگیرید. بیونهم با دولت مشارکت

مثلاً خط آهن آذربایجان را که بطور مثل عرض کردم چه ضرر دارد اصلاح و ترمیم کنند پاراهای شومه درست کنند حالا از راههای شومه یک عوایدی از مردم میگیرند ولی راهها را ترمیم نمیکنند و در تحت این اصولی که امروزه هست فشار بطوری میشود که غیر قابل تحمل است.

هر ایضی که بنده کردم در کلمات بود و نسبت ب مواد قانون هم یک اعتراضاتی دارم که عرض میکنم.

بنده عقیده ام این است که این قانون باین ترتیب قابل اجرا نیست و موادی که در این قانون نوشته شده است بهیچوجه متناسب با یکدیگر نیست و مخارجی هم که برای وصول عوائد باید بشود از تناسب خارج است و باید برای تمام قضایای جمع و خرج وصول و ایصال و غیره یک تناسبی قائل شد.

در بودجه که امروز داده اند خدمت آقایانم یک پیش بینی عایدات شده بود یکی همین مالیات تصاعدی بود که در کل مالیه پیش بینی نموده بود.

یکی از اختلافات عمده که بین رئیس مالیه و کمیسیون بودجه بود همین بود و خود آقای رئیس کمیسیون در اینجا اظهار کردند که مالیاتی را که مادر مجلس رأی ندادیم و تصویب نشده است برای چه بجمع خودشان گذاشته اند.

الان اگر مراجعه فرمائید بآن صورتی که خدمتتان هست سیصد هزار تومان این عایدی را پیش بینی کرده اند اگر شما برای این مبلغ میخواهید یک گز هائی بکنید.

بنده متقبل می شوم اگر لایحه میزری را بیاورید مجلس رأی بدهد و از مجلس بگذرانید و عملی بکنید تفاوت آن محدود سیصد هزار تومان بلکه یک کروار و دو کروار هم نیست.

لایحه میزری هم تصحیح می کند خدمت مالیات را هم مخارج اداری را کم میکند و هم تکثیر عایدات بکنند اگر نظر واقفان تکثیر عایدات این است که بنده عرض میکنم.

البته آقای مخیر خواهند فرمود این منافاتی ندارد و لایحه میزری چند ماده اش تاکنون از کمیسیون گذشته است و دو ماده دیگرش هم تا شش ماه دیگر میگذرد می آید مجلس.

بنده عرض نکردم منافات دارد بنده عرض میکنم اگر آن را مقدم داشته بودید و قبل از آن مجلس می آوردید هم از لحاظ تکثیر عایدات و هم از لحاظ مردم بهتر بود این است که بنده بطوری عرض بکنم که لایحه میزری شما بهتر متوقف ب تکثیر عایدات بکنید و غیر از این مالیات تصاعدی شما مطالب دیگری داشته باشید که ممکن بود آنها را در نظر بگیرید. بیونهم با دولت مشارکت

کنند و آنها را بیاورند ب مجلس ما هم موافقت میکنم.

اگر برای تحصیل سیصد هزار تومان است بنده عرض میکنم که معالهای کم خرج و از حیث عایدات بیشتر است آنها را مورد نظر قرار دهید از قبیل تجدید نظر کامل در مسئله مالیات صنفی که اگر آن را در این مملکت برقرار میکردید عقیده بنده این است متجاوز از یک کروار عایدات آن میشود در صورتیکه اینجا یک کروار عایدات بایک خرج خیلی کمی وصول خواهد شد و خرج زیادی نخواهد داشت و یک تحصیل جدیدی هم بر مردم نمیشد و برعکس شاد و رضی این معامله یک اجرای عدل هم کرده بودید.

ملاحظه فرمائید یک صنف هائی هستند بطوری که خود آقای مخیر هم اشاره کردند.

در آذربایجان در سابق و در قدیم یک یک کفش هائی می دوختند که معروف بود به گرجی دوزی و الان مالیات گرجی دوزی در آذربایجان هست که از اصناف میگیرند الان مالیات کفش ساغری میگیرند در صورتیکه هیچکس هم نمیبود در صورتی که آن شخص فوت کرده می آیند از ورته کسی که پدرش مشغول این کار بوده مطالبه میکنند مالیه هم منشی برای اینکار نگاه میدارد و حقوق میدهد برای اینکه مخصوصاً تقشش کنند تا یک بیچاره را پیدا می کنند گوش ز می گیرند می آورند با داره مالیه میگویند تو باید صد و شصت و پنج تومان مالیات گرجی دوزی بدهی و این مالیات را می گیرند در از رویه یک مالیاتی هست که در سابق که داروغه گری و کدخدای بازی بود مالیات کله می گرفتند و مردم از رویه هنوز مالیات کلی می دهند اگر شما این مالیات های صنفی را مالیات قیامدار را در نظر می گرفتید خیلی بیش از این مالیات میشد (بنده از روی مدرکی که وزارت مالیه پیش بینی کرده است) عرض می کنم.

بنده نمی توانم پیش بینی کنم ولی خود وزارت مالیه پیش بینی کرده است سیصد هزار تومان عایدی این سالیات میشود.

حالا لابد این سیصد هزار تومان مخارج هم دارد که باید از آن منها شود آن وقت از این عایدی چه دستگیر میشود.

نمی دانم مثلاً مالیات تبر نه آن مالیاتی را که آورده ب مجلس و ما آن را رد کردیم مالیات کافندی که وزارت مالیه درست کند و روی آنرا تبریزند و درمالات آنرا معمول بدارند.

باین معنی که اگر شما مالیاتی بیاورید در روی آن اوراق وزارت مالیه باید بشود و روی آن اوراق یک تبر میگذارد و مردم با آن اوراق معامله می کردند مبلغ زیادی میشد.

این مالیات هم یکی از مالیات هائی است که در دنیای متمدن مبالغ گزافی بخزانه دولت وارد میکنند .

در اینجا هم خیلی سهل الاجرا میشد يك عوائد خوبی برای ما تهیه میشد در این قسمت بنده درموادش مفصلاً عرایضی دارم که بعد عرض خواهم کرد فعلاً لازم میدانم بعضی مطالب دیگر را گوشزد آقایان بکنم که بعضی از آنها فراموش شده و يك اصلی را تذکر بدهم که بهیچ وجه طرف توجه قرار ندادند اندروزی که این لایحه را تنظیم کرده اند و آن اینست که مبالغ ثروت و منابع عایدات مختلف است مثلاً چنانچه عرض کردم يك کسی است که ارض باورسیده و يك پولی بدون زحمت برای آن موجود شده است و یادربانك يك پولی برای او گذارده اند در صورتی که خودش شخصاً هیچ زحمتی برای تهیه آن نکشیده است و يك پول موجودی گیرش آمده و مشغول استفاده از آنست دولت بیايد و يك منافعی از این پول ببرد و يك مالیاتی برای آن وضع کند که از او بگیرند .

در اینجا هیچ تفاوت و تمیزی قائل نشده اند بین آن کسی که بدون زحمت فقط زحمتش امضاء کردن يك چکی است که آنرا امضاء میکنند و میبرند آن چک را در ب فلان حجره یا فلان بانك و آن پول را میگیرند با يك کسی که با زحمت بسیار ایجاد يك سرمایه کرده .

مثلاً فرض بفرمائید بيك کسی که يك تجارتخانه با ارض باورسیده اگر لیاقت و استعداد نداشته باشد یا با امور تجارتخانه مربوط نباشد و کار نکند نمیتواند عوائدی را که پدر مرحومش از آن تجارتخانه میبرد او ببرد .

پس در واقع عوائد بواسطه شرکت سرمایه و کار و زحمت شخصی و زحمت فکری تهیه میشود .

يك قسمت هم این است که بعضی اشخاص روزانه زحمت میکنند و روزانه دخل میبرند از قبیل مشاغل آزاد مثل طبیب که هر روز در مطب خود نشسته و شب بشب ده تومان بهشت تومان صد تومان استغاده میکند ولی اگر خود طبیب ناخوش شد در موفقی که ناخوش است نمیتواند در آن پانزده روزی که خودش ناخوش بوده کسی را عوض خودش معین کند که برود نبض مریض را بگیرد .

و در این عوائد ابدآ فرقی قائل نشده اند تمام يك كاسه بر عوائد خالص اشخاص میگویند فلان قدر باید مالیات وضع شود از این جهت است که بنده راین قسمت هم در صورتی که تصویب شود درموادش خیلی جرح و تعدیل لازم

میدانم که اگر جرح و تعدیل نشود اسباب زحمت و صدمه مردم خواهد بود و بعلاوه خیلی هم ظالمانه است و عوائدش هم نسبت بمخارجش خیلی کم خواهد بود و بعد از يكسال هم که گذشت آنوقت ملاحظه می فرمائید که عایدات خالصی که از این محل باقی میماند چیز غیر قابلی است .

بنده دیگر فعلاً پیش از این عرض نمیکنم و بقیه عرایضم را در مواد عرض خواهم نمود .

جمعی اظهار نمودند - تنفس داده شود .

رئیس - باتنفس کسی مخالف نیست؟
حاج عز الممالک - بنده مخالفم .
رئیس - رأی میگیریم آقایانی که با تنفس موافقت قیام فرمایند .
(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد آقای رهنما .
گویا جنابعالی صحبت کرده اید .
رهنما - خبر ولی فعلاً عرضی ندارم .
رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)
حاج عز الممالک - آقایانی که مخالف فرمودند با مالیات بر عایدات هر کدام دلایلی داشتند که بنده بطور اختصار یادداشت و جوابایشان را بعقیده خودم حاضر کرده ام که بعرض آقایان برسانم؛ اولاً باید داخل فلسفه مالیات شد که مالیات چه چیز است .

مالیات وجهی است که از طرف اهالی يك مملکتی نسبت بتوانائی و بتناسب عایدات خودشان برای حوائج مملکت داده میشود این اصل را که قائل شدیم بعد بیائیم ببینیم لایحه که از طرف دولت پیشنهاد شده (نه آنطوریکه شاهزاده محمد ولی میرزا باصوول هو مطلب را بردند روی مسلك وغيره و هیچ اینطور نبوده برای اینکه این لایحه يك لایحه نیست که از طرف عده از و کلاء پیشنهاد شده باشد) .

آنوقت ببینیم این لایحه دولت این فلسفه را داراست یا نه البته اگر این فلسفه را داراست اول باصلت و ازدمیشویم بعد بجزئیاتش و اگر اینک فلسفه را نداشت با اصلش هم مخالفت میکنیم

میرزاهاشم آشتیانی - آقا عده کافی نیست .

حاج عز الممالک - تشخصی فده با آقای رئیس است .

برای اداره کردن امور مملکت دولت افراد را مجبور میکنند که کمک کنند برای اداره کردن و رفع احتیاجات مملکتی تا اینکه هیئت اداره کنند مملکت موفق شوند با اداره هیئت اجتماعی

رئیس - آقا عده کافی نیست .
حاج عز الممالک - میفرمائید بعد عرایض خودم را عرض میکنم .

رئیس - عده کافی نیست . بعد از چند دقیقه مراجعت میکنیم .
(در این موقع جلسه برای قنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)
رئیس - آقای حاج عز الممالک (اجازه)
رئیس - بنده پیشنهاد ختم جلسه را کرده ام .

حاج عز الممالک - بنده مخالفم .
رئیس - آقای تدین و آقای کازرونی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود .

تدین - اجازه بفرمائید توضیح عرض کنم .

سر کشیک زاده - بنده با ختم جلسه مخالفم .
رئیس - بفرمائید .

سر کشیک زاده - اساساً گمان میکنم غالب آقایان موافق باشند با ختم جلسه و خود بنده هم مخالفی ندارم ولی فقط مخالفت بنده اینجاست که يك مخالفی دو ساعت صحبت کرده و از انصاف خیلی دور است که يك موافق صحبت نکند . بعقیده بنده يك نفر موافق ولو مختصر هم باشد صحبت کند تا در انتظار يك قضاوت صحیحی بشود و مخالف و موافق هم خیلی هست .

رئیس - رأی میگیریم بختم جلسه آقایانی که بختم جلسه رأی می دهند قیام فرمایند .

(غالب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . مطالب مهم دیگری هست از قبیل خبر کمیسیون بودجه اگر تصویب می فرمائید در جلسات بعد قبل از تنفس این مسئله مطرح شود و بعد از تنفس خبر کمیسیون بودجه . آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خواستم تقاضا کنم که اگر مجلس موافقت کند رأی بدهند که بودجه مملکتی چون همیشه بیشتر است قبل از تنفس باشد که اول مسئله بودجه باشد تا تکلیف آن معین شود بعد اگر خدای نکرده خبری دارد در وضع مالیات داخل شویم .

مقصودم این است که این مسئله بودجه مقدم شود .

رئیس - آقای تدین (اجازه)
تدین - بنده هم عقیده ام این است که راپرت کمیسیون بودجه راجع ببودجه کل مملکتی مقدم باشد و لایحه مالیات تصاعدی مؤخر چون مسئله بودجه هفت ماه است از سال گذشته و تازه راپرت کمیسیون بودجه آمده است .

البته این مقدم باشد بهتر است .
رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
دامغانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)
سهام السلطان - بنده هم نظر به آقای تدین راداشتم .
رئیس - آقای رهنما (اجازه)
رهنما - در این قسمت بنده مخالفم راپرت مالیات تصاعدی بتأخیر بفتند مذاکرات در این دو جلسه بقدر کافی است و در جلسه آتی هم ممکن است برای تنفس خاتمه پیدا کند و اگر جزء دستور نباشد و ناقص بماند این چون يك مهمی است و بالاخره مجلس مهمترین وظیفه باعدالت رفتار کردن است .

و در مسائلی که مطرح میشود تکلیف به بیغرضی رفتار کردنت و امروزه مالیات تصاعدی در تمام افکار عمومی اثر مهمی کرده که مجلس شورای ملی این مسئله چطور قضاوت خواهد کرد .

حالا اگر از دستور قبل از تنفس آنرا بکنیم بالاخره مالیات تصاعدی تأخیر میشود گمان نمیکنم صحیح باشد و بالاخره موافقم که ابتدا مسئله مالیات تصاعدی از تنفس بودجه مطرح شود .

خصوصاً امروز یکی از مخالفین ساعت وقت مجلس را در مخالفت گرفته و گفته شد از نقطه نظر اینکه راپرت کمیسیون بودجه تحت طبع است مجال بدهند تا از خارج شده و آنرا پس از حاضر شدن دستور بگذارند .

رئیس - راپرت کمیسیون طبع توزیع شده است .

آقای مشارعظم (اجازه)
کنم وقتی کتاب را بازمیکنند و میخوانند اول حمد و سپاس بر خدای تعالی می کنند بتمت الكتاب می رسند .

بودجه و مالیات هم برای مجلس کتاب است که باید از ابتداء شروع کرد یکی یکی جلورفت تا آخر و آقایان موافق بایند این را فوزه عظیم بشمارند که لایحه بودجه حاضر شده و بعنوان مذاکره در آن تا اندازه از مخالفت در لایحه مالیات تصاعدی منصرف می شویم .

بهر جهت عقیده بنده هم این است ابتدا بودجه مملکتی را مورد بحث قرار بدهد از آن لایحه مالیات تصاعدی دستور شود .

رئیس - رأی میگیریم باینکه دستور بودجه کل مملکتی باشد .

آقایانی که تصویب می کنند فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد .

اسامی آقایان اعضاء کمیسیون اقتصادی از قرار است که عرض می کنم :
آقای تقی زاده ، مصدق السلطنه ، آقای ارباب کبخسرو ، آقای مقوم الملك ، آقای رئیس التجار ، آقای دولت آبادی ، در جلسه آتی که سری کمیسیون ما هم انشاء الله انتخاب خواهند شد .

(مجلس سی و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی **ممن الملك**
منشی - علی اقبال الممالک
منشی - معظم السلطان
جلسه هشتاد و یکم
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و یکم عقرب یک هزار و سیصد و سه مطابق پانزدهم ربیع الثانی یک هزار و سیصد و چهل و سه
مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مشروح یوم سه شنبه نوزدهم عقرب را آقای میرزا جواد خان قرائت نمودند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده دو عرض دارم یکی در صورت مجلس است یکی بعد از تصویب صورت مجلس اما آنکه راجع به صورت مجلس است .

آقای مدبر الملك را غایب بی اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند اطلاع هم داده بودند حالا بکمیسیون فرستاده اند نمیدانم .

رئیس - یادداشت بدهید بکمیسیون فرستاده شود .

آقای غلامحسین میرزا (اجازه)
غلامحسین میرزا - بنده بعد از صورت مجلس عرض دارم **رئیس** - گویا در صورت جلسه مخالفی نباشد .

(اظهاری نشد)
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده خیلی مایل بودم حالا که هیئت دولت هم تشریف می آورند متذکر شوم که البته همه ماها مستعضر هستیم انومبیل تازه در تهران جریان پیدا کرده و سابق بر این نداشته است .

و خیلی بموقع است که از طرف بلدیة یا نظمیة برای سیر انومبیلها در خیابانهای شهر ترتیبی داده شود و این ترتیب فعلی حقیقتاً وحشت آور است .

در ممالک متمدنه و شهرهای بزرگ دنیا انومبیل به ترتیبی حرکت میکنند که باعث وحشت واضطراب نیست ولی اینجا برعکس طوری حرکت میکنند که اسباب زحمت